



تصادف خونین کامیون با ۱۲ خودرو

تصادف یک دستگاه کامیون با ۱۲ خودرو باعث مصدومیت ۸ نفر شد. این حادثه ساعت ۱۱:۲۵ دقیقه شنبه در مسیر شمال به جنوب خیابان استخر در شمال شرق تهران اتفاق افتاد. ماجرا از این قرار بود که به دلایل نامشخصی کنترل کامیون از دست راننده خارج شد و با ۱۲ خودرو برخورد کرد که طبق اعلام اورژانس ۸ نفر مصدوم شدند.

تعداد شهدای حادثه کرمان به ۹۰ نفر رسید

با شهادت یکی دیگر از مجروحان حمله تروریستی روز چهارشنبه گلزار شهدای کرمان، شمار شهدای این حادثه به ۹۰ نفر رسید. سیدمحمد صابری، رئیس اورژانس کرمان در این باره گفت: سعید شهناوی از مجروحان این حادثه به ۶۰ سال داشت و در بیمارستان بستری بود به دلیل شدت جراحات وارده به خیل شهدا پیوست.

بعد از حمله تروریستی کرمان امدادگران زیادی باز خود گذشتگی در آنجا ایستادند تا جان شهروندان را نجات دهند

آروایت از قهرمانان ناشناس حادثه تروریستی کرمان

گزارش

محمدجعفری
روزنامه‌نگار

همه جا را فرا گرفته بود گروه‌های امدادی در میان پیکرهای شهدا و مجروحان مشغول امداد رسانی بودند و تلاش می کردند تا به حادثه دیدگان کمک کنند؛ از جمله قهرمانان این حادثه دختران امدادگر هلال احمر بودند. در این گزارش ۳ روایت از ۳ دختر امدادگر هلال احمر را که در روز حمله تروریستی در محل حادثه حضور داشتند و لحظه به لحظه آن را به چشم خودین است. در لحظاتی که خون و آتش

کر بلرا را به چشم خود دیدیم

شاهد اول سلیمه توپسر کانی، امدادگر ۲۸ ساله است. او که از ۵ سال قبل با هلال احمر همکاری می کند در یازده روز حادثه به مشهوری می گوید: این چهارمین سالگرد حاج قاسم بود و ما هر سال طبق برنامه در این مراسم حاضر می شویم. از صبح مشغول امداد رسانی بودیم. به خاطر ازدحام زیاد جمعیت تعداد ما هم زیاد بود. او ادامه می دهد: حدود ساعت ۳ بود که صدای انفجار شنیده شد. ما در چهارراه یوسف الهیی و نزدیک ترین نیم به محل حادثه بودیم که وقتی رسیدیم متوجه شدیم انفجار بمب بوده. در زمان کوتاهی همه نیم‌های امدادی خودشان را به محل حادثه رساندند. در آنجا با صحنه‌های عجیب و غریبی مواجه شدیم. همه به طرف فرار می کردند. مردم را به حاشیه هدایت می کردیم. بدن‌های متلاشی و تکه تکه، بچه، زن، مرد... همه غرق در خون بودند. انفجر خونریزی زیاد بود که روی خون‌ها سر می خوردیم. متأسفانه اجساد و وضعیت خوبی نداشتند و هر تکه‌ای یک طرف افتاده بود. شدت انفجار به حدی بود که همکاری می گفتند تریبونی که بالای مزار حاج قاسم بود هم لرزید. اما در میان پیکرهای غرق در خون شهدا و مجروحان امدادگران چه می کردند؟ دختر امدادگر می گوید: ما در آنجا با صحنه‌های خیلی بدی روبه‌رو شدیم. کر بلرا را به چشم خود دیدیم. همه خونریزی شدیدی داشتند. هر کسی را که نبض داشت و تنفس می کرد سریع انتقال می دادیم به مرکز درمانی. همه تلاش ما آن را می کردیم که این افراد زنده بمانند. راه را هم پلیس و مردم‌باز می کردند که آمبولانس بتواند سریع تر برسد. به خاطر همین سرعت امداد رسانی هم خوشبختانه تعداد زیادی زنده ماندند اما متأسفانه تعداد زیادی هم شهید شدند.

او ادامه می دهد: انفجار دوم که رخ داد، همه را غافلگیر کرد. ما در حال امداد رسانی بودیم که ناگهان انفجار دوم اتفاق افتاد. شاید حدود ۸، ۷ دقیقه طول کشید. هیچ کس انتظار انفجار دوم را نداشت. در دومین انفجار هم افراد زیادی شهید شدند. در هر دو حادثه امداد رسانی به مجروحان اولویت بیشتری برای‌مان داشت. اول به آنها امداد رسانی کردیم و در ادامه پیکر شهدا را منتقل کردیم. من قبل از این هم تجربه حوادث مختلف را داشتم اما هیچ کدام در این حد نبودند و این فوجیه ترین حادثه‌ای بود که در آن حضور داشتم. با اینکه روحیه خاتم‌ها نسبت به آقایان حساس تر است اما همه خاتم‌های امدادگران با اینکه با بدترین صحنه‌ها روبه‌رو شدند با پای آقایان با شجاعت به کارشان ادامه دادند. انفجار می کشد که خاتم‌ها توانستند با پای هر مردان در این عملیات حضور داشته باشند.



شجاعت دختران امدادگر

یکی دیگر از امدادگران هلال احمر که از شاهدان عینی این حمله تروریستی است شیما آقایی افشار نام دارد؛ امدادگری ۲۶ ساله که ۱۱ سال سابقه خدمت در هلال احمر دارد. او درباره این حادثه می گوید: روز حادثه من به عنوان یکی از سر تیم‌های گروه بانوان در چهارراه یوسف الهیی با سایر همکاران مستقر بودیم. نیروهای ما با فاصله‌های کم، در قالب گروه‌های دوتوره در طول مسیر مستقر شدند؛ از زیر پل تا میدان شهید ابومهدی المهندس. زیر پل مکرمه و ملیکا حسینی مستقر بودند. خودم هم آنجا بودم که اعلام کردند کمی بچه‌ها جا به جا شوند. به خواهران حسینی اعلام کردم کمی جلوتر بروند. بعد از من خواستند خودم کمی جلوتر بروم. چند ساعت گذشته بود که ناگهان یک صدا شنیدیم. اعلام کردند کیسول ترکیده است. با سرعت از پشت موبک‌ها

دویدم و به سمت صدراعتر رفتم. او درباره وضعیت خیابان بعد از انفجار می گوید: وقتی رسیدم آنجا افرادی زیادی را دیدم که روی زمین افتاده بودند و همه‌جا پر از خون بود. در آنجا فهمیدم که حمله انتحاری اتفاق افتاده است. فضا طوری بود که در هر گوشه چندین نفر روی زمین افتاده بودند. زن و بچه روی زمین افتاده بودند. پر از دست و پای قطع شده بود. با بیسیم کمک خواستم. ۲ دقیقه نشد که همکارانم رسیدند. خاتم‌های امدادگر هم رسیدند و با پای آقایان شروع به امداد رسانی کردند. همان موقع ملیکا را دیدیم. من را کشاند و به سمت مکرمه برد. رفتن نبض را گرفت اما نبض نداشت. سی‌بی‌آر کردم اما برگشت. خونریزی شدیدی داشت و خون بند نمی آمد. ترکش به سرش برخورد کرده بود. متوجه شدم که شهید شده است. در گوشه‌های دیگر خانمی را دیدم که جعب می کشید و می گفت باهاهمی حسن ندارد. آرامش کردم و دوستانم او را به بیمارستان منتقل کردند. در این بین خواهر مکرمه باورش نمی شد که مکرمه به شهادت رسیده و می گفت هنوز نفس می کشند. ما دوباره نبضش را گرفتیم و با اینکه نبض نداشت او را به بیمارستان اعزام کردیم.

با وجود این حادثه دلخراش اما آنطور که این امدادگر می گوید نیروهای امدادی به‌خصوص زنان و دختران با جان و دل به وظیفه‌شان عمل کردند، آنقدر فضا بد بود که بیشتر مجروحان و شهدا لباس‌ها و بدن‌هایشان با پاره پاره شده بود. چون چیزی نداشتیم که آنها را بپوشانیم بنجرهای موبک‌ها را برداشتم و روی آنها انداختیم. همکارانم هیچ کدام نترسیدند چنین حادثه‌ای را نداشتند. دختران هلال احمر در این حادثه شجاعت زیادی از خود نشان دادند. در این حادثه صحنه‌های دلخراش زیادی دیدیم. خیابان پر از تکه‌های بدن بود. هیچ کس این صحنه‌ها را باور نمی کرد. زن جوانی بالای سر شوهرش گریه و زاری می کرد و بی‌قرار بود. به من گفت کمک کن. من همه تلاشم را انجام دادم و او را سی‌بی‌آر کردم اما متأسفانه برگشت. زمانی که ما آنجا بودیم می گفتند ممکن است باز هم حمله انتحاری اتفاق بیفتد اما همه همکارانم ایستاده بودند و همه ماندند تا جان بقیه را نجات دهند. حتی بعد از دومین انفجار بازم هم ماندند و تا آخرین نفر را امداد رسانی کردند.



لیاقت شهادت نداشتیم

یکی دیگر از قهرمانان پشت صحنه این حادثه کیما عبداللهی است؛ امدادگر ۲۴ ساله‌ای که از ۵ سال قبل به‌عنوان نیروی داوطلب با هلال احمر همکاری می کند. او روایتی تازه و دست‌اول از آنچه اتفاق افتاده را برای همشهری بازگو می کند و می گوید ساعتی قبل از انفجار اول، جای او و مکرمه حسینی، امدادگری که در این حادثه به شهادت رسید، عوض شد؛ وگرنه حالا نام او به جای مکرمه در فهرست شهدا بود. کیما در این باره می گوید: من و خواهرم کوثر هر دو عضو داوطلب هلال احمر هستیم. آن روز ما در عمود ۱۲ حضور داشتیم. قرار بود از ساعت ۷ صبح تا ۱۰ شب شیفت بدهیم. چون جمعیت زیاد بود گفتند ممکن است اتفاقی برای مردم بیفتد و برای امداد رسانی آماده باشیم. حدود ساعت ۱۲:۳۰ بود که مسئول مان خبر داد که شما ۲ خواهر باید به گلزار بروید و مکرمه حسینی و خواهرش ملیکا باید جای ما بایند. ما رقتیم به جایی که گفته بودند و کارمان را در آنجا ادامه دادیم تا اینکه ساعت حدود ۳ بود که صدای وحشتناکی شنیدیم. همان زمان تلاش کردیم به مردم و حادثه‌دیدگان کمک کنیم. در حالی که همه برای نجات جان خودشان فرار می کردند ما به‌عنوان امدادگر باید می ماندیم و کمک می کردیم. در انفجار اول صحنه‌های دلخراشی را دیدیم؛ مثلاً یک خانم بود که بالای سر فرزندش بود. به خاطر جراحات معلوم نبود که بسیر استست یا دختر. داد می‌زد که بچه‌ها... کمک کنید. ما سی‌بی‌آر انجام دادیم و دستش را گرفتیم نبضش را بگیریم اما اصلاً نبض نداشت. با خودم گفتم شاید من استرس دارم و اشتباه می کنم. آن همکاران دیگری کمک خواستیم اما آنها هم گفتند که او نبض ندارد. باز هم سی‌بی‌آر انجام دادیم اما جواب نداد. تمام کرده بود. در حال انتقال مجروحان بودیم که دو مین انفجار هم اتفاق افتاد.

آنطور که این دختر امدادگر می گوید در این حادثه شاهد صحنه‌های دلخراشی بود اما به خاطر وظیفه انسانی‌اش در محل حادثه مانده است. او می گوید: وقتی یکی وارد هلال احمر می شود اول برایش انسانیت از خود گذشتگی مهم است. اگر قرار بود از جان خودمان محافظت کنیم اصلاً وارد این کار نمی‌شدیم. او ادامه می دهد: بعد از انفجار اول پدرم تماس گرفت و حال من و خواهرم را پرسید. گفتم خوبیم. پدرم گفت بمب‌گذاری شده است. فرادای حادثه من باز هم شیفت داشتم. آدم لباس‌هایم را بپوشم که پدرم برسید کجا می‌روی که گفتم شیفت هلال احمر دارم. پدرم گفت برو خدا پشت و پناهت باشد.

اگر جای کیما و مکرمه ما هم عوض نشده بود حالا کیما نامش نبی شهدا بود. کیما در حالی که بغض کرده می گوید: برای پدرم و مسادرم تعریف کردم که من و خواهرم کوثر، جای مکرمه و ملیکا حسینی بودیم و اگر جای ما آن عوض نکرده بودند یکی از ما شهید شده بود. به پدر و مادرم گفتم که من لیاقت شهادت نداشتیم که جای مکرمه من باشم. من هنوز ناراحتم که چرا جای مکرمه نبودم و شهید نشدم. من با مکرمه و ملیکا دوست صمیمی بودیم. وقتی خبر شهادت مکرمه را شنیدیم خیلی حالم بد شد.



جلبلی

فراموشی عجیب قاتل در زمان درگیری

«پس از مصرف مشروبات الکلی دچار فراموشی شده بودم و نمی‌دانم چه شد که جان مهدی را گرفتم». این، اعترافات پسری است که چهارشنبه شب در جریان یک درگیری دست به جنایت زد. به گزارش همشهری، شامگاه چهارشنبه گذشته به قاضی امیرحسین علیمهریان، بازپرس جنایی تهران خبر رسید که جوانی در جریان درگیری به قتل رسیده است. مقتول پسری جوان بود که در درگیری زخمی شده و هرچند برای درمان به بیمارستان انتقال یافته بود اما به رغم تلاش پزشکان جانش را از دست داد. در ادامه تحقیقات مشخص شد که مقتول در درگیر شده است. آنطور که شاهدان می‌گفتند قاتل و مقتول هر دو متوجه بودند و در عالم شوخی جرم بحث‌شان شده که دعوی آنها به جنایت ختم شده است. در شرایطی که تحقیقات برای دستگیری عامل جنایت ادامه داشت وی به اداره پلیس رفت و خودش را معرفی کرد. متهم که در یکی از پاساژهای معروف پایتخت کار می‌کند در بازجویی‌ها به قتل اعتراف کرد و گفت به‌شدت نادم و پشیمان است. وی ادامه داد: من معمولاً در مهمانی‌ها مشروبات الکلی مصرف می‌کنم اما آن روز دوستانم به من زنگ زد و گفت بیا پارک تا دور هم مشروب بخوریم. من هم رفتم اما هرگز قصد درگیری و جنایت نداشتیم. متهم ادامه داد: آن شب دور همی در پارک مشروبات الکلی مصرف کردیم. مقتول از آشنایان یکی از دوستانم بود و من نخستین بار بود که او را می‌دیدم. من اصلاً بیاد نمی‌آید که به چه دلیل درگیری میان ما شکل گرفت چون آنقدر مشروبات الکلی مصرف کرده بودم که دچار فراموشی شده بودم. مغزم اصلاً کار نمی‌کرد و نمی‌دانم چه شد که با مقتول درگیر شدم. من تا جایی یادم است که دیدم او خون‌آلود روی زمین افتاد و مابقی از ترس‌شان فرار کردند. ظاهر امن با چاقو به مقتول ضربه زده بودم. وی درباره اینکه چرا چاقو با خودش حمل می‌کرده است، گفت: چندبار افراد زورگیر در خیابان می‌خواستند مرا خفت کنند و به همین دلیل بود که معمولاً چاقو با خودم حمل می‌کردم؛ در دفاع از خودم. متهم افزود: من آن شب مقتول را به بیمارستان رساندم و تا صبح آنجا ماندم و برای نجات او دعا کردم. اما خدا صامبر را نشنید و صبح متوجه شدم که او به کما رفته و دیگر آمیدی به زنده ماندنش نیست. حالم بد شد و پرگشتم به خانه تا از خانواده‌ام جداحافظی کنم. سپس راهی کلاتری شد تا خودم را معرفی کنم اما خیلی پشیمانم از مصرف مشروبات، حمل چاقو و درگیری. متهم به قتل با پای قانونی بازداشت شده و تحقیقات تکمیلی از او ادامه دارد.



داسرا

ردپای ۲ برادر

برق‌انگوه‌های زنی که بسیاری رفتن به استخر، از خانه خارج شده بود، چنان چشم‌های ۲ برادر سارق را کور کرده بود که برای به دست آوردن طلاها، نقشه هولناکی طراحی کردند؛ نقشه‌ای که به قتل زن مسافر کشید. به گزارش همشهری، تحقیقات در این پرونده از روز ۲۵ آذرماه شروع شد. آن روز گزارش ناپدید شدن زنی حدوداً ۷۲ ساله به پلیس پایتخت اعلام شد. آنطور که فرزندان این زن می‌گفتند زن سالخورده آخرین بار برای رفتن به استخر از خانه خود در شرق پایتخت خارج شده و دیگر برگشته بود. تحقیقات نشان می‌داد که او هرچند به استخر رفته اما پس از آن به طرز مشکوکی ناپدید شده بود. مأموران برای به دست آوردن سرنخی از وی به مقابل استخر رفتند و دوربین‌هایی را که در مسیر استخر تا خانه زن ناپدید شده وجود داشت مورد بازرسی قرار دادند تا اینکه مشخص شد وی سوار بر یک خودروی پراید مسافر کش شده است. آنطور که دوربین‌ها نشان می‌داد وی قصد داشته از ماشین پیاده‌شود اما راننده ماشین مانع شده بود و این نشان می‌داد که وی به یک دام راننده گروگانگیر افتاده بود.

گفت و گو

بدشأنی در نخستین سرقت

حسین، اتهامش معاونت در قتل، جنایت بر میت، مشارکت در آدم ربایی و سرقت مفروض به آزار است. او می‌گوید: قتل را حسن مرتکب شده است؛ در حالی که اصلاً قصد جنایت و آدم‌کشی نداشتند. هدف و انگیزه اصلی آنها سرقت بوده و آنقدر بدشأنی آوردند که در نخستین سرقتشان، جان یک انسان بی‌گناه را گرفتند. حسین در گفت‌وگو با همشهری از نقشه سرقتی که به جنایت منجر شد می‌گوید:

مقتول را برای نخستین بار بود که می‌دیدم و قبلاً هم او را دیده بودم؛ اولین بار بود که او را می‌دیدیم و حتی اسمش را هم نمی‌دانیم. کجا برای نخستین بار او را دیدید؟ ساعت حدود ۲ بعد از ظهر ۲۵ آذرماه بود که او را در خیابان پیروزی دیدیم. درست مقابل بازار تره بار ایستاده بود و یک ساک ورزشی هم در دستش بود. او دست تکان داد و ما هم ایستادیم تا او را سوار ماشین کنیم؛ چون تصور می‌کرد مسافر کش هستیم.

ما ماشین مسافر کشی می‌کنیم؟ بله، ما با شغل اصلی‌اش مسافر کشی است. او می‌گوید: ما با شغل اصلی‌اش مسافر کشی است. او می‌گوید: ما با شغل اصلی‌اش مسافر کشی است. او می‌گوید: ما با شغل اصلی‌اش مسافر کشی است.

ما ماشین مسافر کشی می‌کنیم؟ بله، ما با شغل اصلی‌اش مسافر کشی است. او می‌گوید: ما با شغل اصلی‌اش مسافر کشی است. او می‌گوید: ما با شغل اصلی‌اش مسافر کشی است. او می‌گوید: ما با شغل اصلی‌اش مسافر کشی است.

ما ماشین مسافر کشی می‌کنیم؟ بله، ما با شغل اصلی‌اش مسافر کشی است. او می‌گوید: ما با شغل اصلی‌اش مسافر کشی است. او می‌گوید: ما با شغل اصلی‌اش مسافر کشی است.

ما ماشین مسافر کشی می‌کنیم؟ بله، ما با شغل اصلی‌اش مسافر کشی است. او می‌گوید: ما با شغل اصلی‌اش مسافر کشی است. او می‌گوید: ما با شغل اصلی‌اش مسافر کشی است.

ما ماشین مسافر کشی می‌کنیم؟ بله، ما با شغل اصلی‌اش مسافر کشی است. او می‌گوید: ما با شغل اصلی‌اش مسافر کشی است. او می‌گوید: ما با شغل اصلی‌اش مسافر کشی است.

یکشنبه ۱۷ دی ۱۴۰۲ - شماره ۸۹۹۴



انتظامی

پیامک آلوده، حساب هزار نفر را خالی کرد



اعضای باند کلاهبرداری با ارسال پیامک «مشاهده سهام عدالت» حساب بیش از هزار نفر را هک کردند و میلیارد‌ها تومان به جیب زدند. به گزارش همشهری، تحقیقات پلیس فتای استان البرز برای شناسایی و دستگیری این باند با شکایت تعداد زیادی از مال‌باختگان که مدعی بودند به حساب بانکی‌شان دستبرد زده شده، آغاز شد. بررسی اظهارات این افراد نشان می‌داد که حساب بانکی همه آنها به‌صورت اینترنتی خالی شده و تمامی مال‌باختگان، قربانی کلاهبرداران فیشبکی شده‌اند. تحقیقات نشان می‌داد که همه این افراد پس از دریافت یک پیامک آلوده به دام کلاهبرداران گرفتار شده‌اند. پیامک با عنوان «مشاهده سهام عدالت» یا «دریافت سود سهام عدالت» برای مال‌باختگان ارسال شده بود. این پیامک حاوی یک لینک شماره کارت و اطلاعات آن. از نسوی دیگر بدافزاری که روی گوشی مال‌باختگان نصب شده بود، به گونه‌ای عمل می‌کرد که هر پیامکی که به گوشی آنها ارسال می‌شد هم‌زمان برای کلاهبرداران هم ارسال می‌شد. به این ترتیب کلاهبرداران می‌توانستند به پیامک حاوی رمز دوم آنها دسترسی پیدا کنند، به راحتی اقدام به خریدهای اینترنتی کرده و از این طریق حساب طعمه‌هایشان را خالی می‌کردند.

باند حرفه‌ای

پلیس که مطمئن شده بود همه این کلاهبردارها از سوی اعضای یک باند صورت گرفته است، تحقیقات برای شناسایی آنها را ادامه داد. بررسی‌ها نشان می‌داد که کلاهبرداران برای اینکه ردی از خودشان باقی نگذارند، اقدام به تهیه کارت‌های عابربانک مختلف کرده بودند تا پول‌های کلاهبرداری شده را به حساب این کارت‌ها منتقل و آنها را خرج کنند. کارت‌هایی که این افراد در اختیار داشتند، کارت‌های اجاره‌ای یا کارت‌های عابربانک خریداری شده از افراد معتاد بود تا پلیس نتواند از طریق ردگیری آنها به اعضای اصلی باند برسد. با این حال تیم تحقیق در جریان بررسی‌ها و ردگیری پول‌هایی که از حساب مال‌باختگان خارج شده بود، توانست به نخستین سرخ‌ها از اعضای باند دست پیدا کند.

گروه تلگرامی

تحقیقات نشان می‌داد که اعضای این باند مانند بسیاری از باند‌های فیشبکی دیگر، بدون اینکه یکدیگر را بشناسند از طریق گروه‌های تلگرامی با هم آشنا شده‌اند. آنها در استان‌های مختلف زندگی می‌کردند و از طریق تلگرام با هم در ارتباط بودند و هر بار که حسابی را هک می‌کردند، اطلاعات آن را در این گروه با هم به اشتراک می‌گذاشتند. در ادامه مشخص شد که این باند از ۴ مجرم سابقه‌دار تشکیل شده که همگی آنها پیش از این هم به جرم کلاهبرداری فیشبکی دستگیر و زندانی شده بودند. در ادامه محل زندگی هر چهار عضو باند شناسایی شد و آنها در جریان عملیات هم‌زمان و جداگانه دستگیر شدند. به گفته سردار حمید هداوند، فرمانده انتظامی استان البرز، با دستگیری این باند مقدار زیادی طلاجات و سکه خریداری شده با پول‌های کلاهبرداری از مخفیگاه آنها کشف و مشخص شد که آنها حساب هزار و ۸۸ نفر را با این سرگرد هک و بیش از ۴،۵ میلیارد تومان از این حساب‌ها سرقت کرده بودند. براساس این گزارش، با اعتراض اعضای این باند تمامی آنها قرار قانونی صادر شد و متهمان در اختیار مرجع قضایی قرار گرفتند.

صعود مرگبار به سیلان

به دنبال ناپدید شدن ۳ کوهنورد که قصد صعود به سیلان را داشتند، اجساد ۲ نفر از آنها که در برف و سرما گرفتار شده بودند پیدا شد.

به گزارش همشهری، شامگاه جمعه بود که امدادگران هلال احمر شهرستان مشگین‌شهر در استان اردبیل از طریق تماس تلفنی در جریان ناپدید شدن ۳ کوهنورد در ارتفاعات سیلان قرار گرفتند. بررسی‌ها نشان می‌داد که این کوهنوردان به قصد صعود به قله راهی ارتفاعات شده بودند که بنا به دلایل نامعلومی ناپدید شده و دیگری بازنگشته بودند. به گفته اصغر نظری، سرپرست جمعیت هلال احمر شهرستان مشگین‌شهر، افزون‌تر از این کوهنوردان خانم و نفر سوم آقا بود و همگی بالای ۵۰ سال سن داشتند و از استان آذربایجان شرقی به سیلان آمده بودند.

وی افزود: پس از دریافت اطلاعات اولیه، ۵ تیم خورویی کوهستان با ۲۷ نفر امدادگر راهی سیلان شدند و عملیات جست‌وجو آغاز شد. در همان جست‌وجوهای اولیه معلوم شد که این سه کوهنورد به دلیل بدی شرایط جوی، از مسیر اصلی منحرف شده‌اند و متأسفانه ۳ خانم کوهنورد جان خود را از دست داده‌اند. اجساد آنها از سوی امدادگران پیدا شده و تلاش برای انتقال اجساد به پایین ادامه دارد. همچنین سومین کوهنورد که به شدت دچار سرمازدگی شده بود نیز پیدا شد و امدادگران مداوای اولیه و او را آغاز کردند تا شرایط انتقال وی به بیمارستان فراهم شود.